



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته فرهنگ و زبانهای باستانی

موضوع:

فرهنگ ریشه های فعلی در زبانهای ایرانی و مشتقات آنها

به کوشش:

محمد آقاجری


استاد راهنما

دکتر گلنار قلعه خانی

شهریور ۱۳۸۹

به نام خدا  
اظہارنامہ

ایجنائب محمد آقاجری دانشجوی رشته ی فرهنگ و زبانهای باستانی دانشکده ادبیات و علوم انسانی شیراز اظهار می کنم که این پایان نامه حاصل پژوهش خودم بوده و در جاهایی که از منابع دیگران استفاده کرده ام، نشانی دقیق و مشخصات کامل آن را نوشته ام. همچنین اظهار می کنم که تحقیق و موضوع پایان نامه ام تکراری نیست و تعهد می نمایم که بدون مجوز دانشگاه دستاوردهای آن را منتشر نکنم یا در اختیار غیر قرار ندهم. کلیه حقوق این اثر مطابق با آیین نامه مالکیت فکری و معنوی متعلق به دانشگاه شیراز می باشد.

نام و نام خانوادگی: محمد آقاجری  
تاریخ و امضا:   
۹۰، ۷، ۲۹

به نام خدا

فرهنگ ریشه های فعلی در زبانهای ایرانی و مشتقات آنها

به وسیله ی:

محمد آقاچری

پایان نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی  
از فعالیت های تحصیلی لازم جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد  
در رشته ی:

فرهنگ و زبانهای باستانی

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی شده توسط کمیته پایان نامه با درجه : عالی

دکتر گلنار قلعه خانی استادیار بخش زبانهای خارجی و زبانشناسی (رئیس کمیته)  
دکتر فرخ حاجیانی دانشیار بخش زبانهای خارجی و زبانشناسی  
دکتر کتابون نمیرانیان استادیار بخش زبانهای خارجی و زبانشناسی

شهریور ۱۳۸۹

## تقدیم

این پایان نامه را به خانواده خویش، که همواره از یاری های ایشان بهره مند بوده ام، تقدیم می دارم.

## سپاسگذاری

بر خود بایسته می دانم که نهایت سپاس و امتنان خویش را تقدیم استاد خویش، سرکار دکتر قلعه خانی نمایم؛ به سبب دانش و راهنمایی هایی که بی دریغ مرا از ان برخوردار ساختند. همچنین از دیگر استادان خود، دکتر فرخ حلجیانی، دکتر کتایون نمیرانیان و دکتر حسین نجاری نیز بی نهایت سپاسگزارم.

## چکیده

### فرهنگ ریشه های فعلی در زبانهای ایرانی و مشتقات آنها

به کوشش

محمد آقاجری

بررسی های ریشه شناختی، گام اساسی هر پژوهشی درباره متون باستانی به شمار می رود. بدون چنین بررسی هایی، بسیاری از متون کهن همچنان پرابهام و چه بسا کاملا نامفهوم بنمایند، امری که به گسست فرهنگی میان نسل ها می انجامد.

این پژوهش کوشیده است تا در قالب این پایان نامه فهرستی از ریشه های فعلی را فراهم آورد و در این راه تنها به گردآوری صرف نتایج پژوهش های پیشین نپرداخته بلکه به بررسی منابعی نیز اقدام کرده است که بسیاری از آنها تا کنون چندان مورد توجه نبوده اند، یعنی گویش های ایرانی، که منبعی گرانبها از واژه های کهن را در خود حفظ داشته اند و هیچ پژوهش ریشه شناختی دامنه داری از آنها بی نیاز نخواهد بود. بیشتر کارهایی که تا کنون درباره ریشه شناسی زبانهای ایرانی انجام شده اند، واژه ها را مدخل قرار داده و ریشه را در زیر آن نوشته اند، امری که دسترسی به ریشه را بسیار سخت، و چه بسا برای تازه کاران و بویژه دانشجویانی که در آغاز راه آشنایی با زبانهای کهن هستند، ناممکن می سازد. در این پژوهش کوشش بر این است تا به مدخل قرار دادن ریشه و ذکر مشتقات در زیر آن نسبت به رفع این کاستی پیشگام گردد و گرچه آغازگر این شیوه نوین نبوده اما امید است که در زمره پیشگامان آن باشد.

برای بهره وری هرچه بیشتر از این پایان نامه، و با توجه به اینکه تقریباً ۶۰۰۰ واژه در این پایان نامه وجود دارد، در انتها نمایه ای حاوی همه واژه ها پیوست شده است که فهرستی از آنها را بر حسب تقدم تاریخی و همراه با شماره صفحه در بر دارد و البته واژه های دوران باستانی و میانه و برخی زبانهای نو، دارای معنی نیز می باشند.



## فهرست مطالب:

عنوان	
فصل اول: مقدمه.....	۱
کلیات.....	۱
۱-۱- ریشه شناسی.....	۱
۲-۱- زبانهای هند و اروپایی.....	۲
۳-۱- ریشه فعلی.....	۳
۱-۳-۱- گسترش.....	۴
۴-۱- بازسازی.....	۵
۵-۱- بایسته ها در ریشه شناسی.....	۷
۱-۵-۱- معنی شناسی.....	۷
۲-۵-۱- آواشناسی.....	۸
۱-۲-۵-۱- شناسی هند و اروپایی آغازین.....	۸
۲-۲-۵-۱- هند و ایرانی آغازین.....	۹
۳-۲-۵-۱- ایرانی باستان.....	۱۰
۴-۲-۵-۱- اوستایی.....	۱۰
۵-۲-۵-۱- فارسی باستان.....	۱۱
۶-۲-۵-۱- فارسی میانه.....	۱۲
۳-۵-۱- گردش مصوت.....	۱۳
۶-۱- هدف تحقیق.....	۱۳
۷-۱- روش تحقیق.....	۱۴
۸-۱- گفتارهای پایان نامه.....	۱۴
۹-۱- روش استفاده از این واژه نامه.....	۱۵
فصل دوم: مروری بر تحقیقات انجام شده.....	۱۷
۱-۲- پیشینه تحقیق.....	۱۷
۲-۲- منابع مورد استفاده.....	۲۰
اختصارات.....	۲۳
نشانه های اختصاری.....	۲۴

۲۵.....	فصل سوم واژه نامه
۲۳۸.....	فصل چهارم: نتیجه گیری
۲۴۱.....	پیوست : نمایه واژگان
۳۰۴.....	منابع
۳۰۹.....	چکیده انگلیسی



## فصل اول

### مقدمه

#### کلیات

زبان شناسی تاریخی بخشی از دانش زبان شناسی است که به بررسی گذشته زبان می پردازد. بررسی های تاریخی، همه جنبه های زبان مانند آوا، نحو و صرف را شامل می شود و ضمن آن تحولات گوناگونی که زبانها در گذر زمان به خود دیده اند، موضوع پژوهش قرار می گیرند. واژه نامه های تاریخی یکی از دستاوردهای این پژوهش ها می باشند و خود انواع گوناگونی دارند. این پژوهش در ادامه بر آن است تا فرهنگ ریشه های فعلی زبان های ایرانی را در قالب واژه نامه ای تاریخی فراهم آورد. اما پیش از ادامه این جستار، لازم است برخی اصطلاحات اساسی و بویژه ریشه شناسی، که در سایر شاخه های زبان شناسی نیز با مفهومی متفاوت به کار می روند، توضیح داده شود.

#### ۱-۱- ریشه شناسی

ریشه شناسی دانشی است که به بررسی پیشینه واژگان زبان ها می پردازد و در مورد بسیاری از زبان های گوناگون به کار می رود بنابر این اصطلاح ریشه شناسی می تواند بسته به زبان های مورد بررسی، معانی گوناگونی داشته باشد. در بررسی های زبان شناسی تاریخی مرتبط با زبان های هند و اروپایی، اصطلاح ریشه شناسی دارای دو معنای عام و خاص می باشد. در معنای عام این اصطلاح، ریشه به پیشینه واژه و منشاء آن صرف نظر از نوع دستوری این منشاء اطلاق می گردد. برای مثال واژه فارسی باستان *xšāyaθiya* "شاه" ریشه ای برای واژه فارسی کنونی "شاه" است.

اما این اصطلاح در معنای خاص خود به بررسی ریشه های فعلی<sup>۱</sup> می پردازد که بسیاری از واژه های این خانواده زبانی از آنها مشتق گردیده اند. در حقیقت منظور از ریشه در این مبحث، ریشه های فعلی زبان های هند و اروپایی است؛ یک پاره کلامی<sup>۲</sup> که امروزه حداقل در زبان های

---

<sup>۱</sup> - verbal roots

<sup>۲</sup> - part of speech

ایرانی به مانند گذشته وجود ندارد و تنها در قالب افعال و یا اسامی و صفات مشتق می توان آنها را دید. در ادامه درباره این اصطلاح بیشتر بحث خواهد شد.

در زبان فارسی واژه "ریشه" را تقریباً بدون تمایز برای هر دو نوع بالا به کار می برند حال آنکه در زبان انگلیسی اصطلاحاتی مانند "word origin"، "etymon" و "etymology" از یونانی به معنی "ریشه" برای نوع نخست، و واژه "root" برای نوع دوم به کار می رود. البته در فارسی گاهی از اصطلاح "وجه اشتقاق" و "فقه اللغه" نیز بدون تمایز برای هر دو نوع بالا استفاده می گردد.

نوشته های پهلوی در بردارنده اشاراتی است که نشان می دهد ایرانیان از روزگاران بسیار کهن کوشش هایی برای ریشه شناسی واژگان (در مفهوم عام آن) انجام داده بوده اند مثلاً در بندهش درباره واژه کشور چنین آمده است:

"uš kišwar nām nihād ku kiš bē būd."

"و او (آنها را) کشور نام نهاد چه آنها را کش (مرز) بود."

حال آنکه می دانیم این واژه، از اوستایی -karšuuar- و در اصل به معنی "زمین کشاورزی"، و از ریشه فعلی -kar\* "شخم زدن" می باشد. نوشته های کهن و بویژه واژه نامه ها انباشته از اینگونه اشتقاق های عمدتاً اشتباه می باشند و این امر نه تنها در مورد زبان فارسی بلکه دیگر زبانها نیز صدق می کند و از آن به عنوان اشتقاق عامیانه<sup>۱</sup> یاد می شود. این نوع اشتقاق را به فراوانی می توان در آثار مقدم، نوبخت، سجادیه و ذبیح بهروز و دیگران یافت.

## ۱-۲- زبانهای هند و اروپایی

هند و اروپایی اصطلاحی است که برای مردمی با منشاء قومی احتمالاً ناهمگون به کار می رود که روزگاری، احتمالاً پنج هزار سال پیش از میلاد در حوالی آسیای میانه، دریای سیاه یا اروپای شرقی اوکراین و یا در اوراسیا زندگی می کرده اند. در مورد خاستگاه این مردم تردید فراوان وجود دارد اما امروزه، نظریه غالب، مسکن آنها را در حوالی اروپای شرقی و مرکزی می داند. نژادهای کنونی اروپایی، بسیاری از ایرانیان و هندی ها و پاکستانی ها از اقوام هند و اروپایی به شمار می روند.

زبان های هند و اروپایی به زبان هایی گفته می شود که هند و اروپایی ها به کار می بردند. همه زبانهای بومی اروپا به جز فنلاندی، باسکی و مجاری و نیز بسیاری از زبان های هند و ایرانی در زمره زبان های هند و اروپایی هستند.

---

<sup>۱</sup> - Folk Etymology

زبان های هند و ایرانی به گروهی از زبان هایی گفته می شود که در اصل به زبانی واحد یعنی هند و ایرانی باستان که از هند و اروپایی مشتق شده بوده است باز می گردند. زبان های هند و ایرانی به سه گروه عمده هندی، ایرانی و نورستانی تقسیم می شوند (کلاکسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷، ۷). زبان های ایرانی دارای سه دوره باستانی، میانه و نو می باشند. زبانهای دوره باستان که از آنان مدارکی وجود دارد عبارتند از: اوستایی، فارسی باستان، سکایی و مادی. از این دو زبان اخیر مدرک مکتوبی وجود ندارد اما برخی واژه های این زبان ها و عمدتا نامهای خاص در نوشته های یونانیان و نیز اقوام میان رودان ذکر شده اند. در دوره میانه زبانهای فارسی میانه یا پهلوی، پارسی، سغدی، تخاری و خوارزمی و باختری قابل ذکر می باشند. همه زبان های کنونی ایران به جز ترکی، عربی و ترکمنی جزو زبان های ایرانی نو می باشند.

### ۱-۳- ریشه فعلی

این اصطلاح برای اشاره به واحدهای اصلی از واژگان بازسازی شده زبان های هند و اروپایی به کار می رود. ریشه ها می توانند با پایانه های صرفی ترکیب گردند و واژه هایی کامل بسازند یا با وندها ترکیب شوند و ستاک های واژگانی را شکل دهند. بیشتر ریشه های بازسازی شده دارای معانی مرتبط با کنش های فعلی می باشند (همان، ۲۲۶). البته ریشه فعلی هند و اروپایی ویژگی های بسیار دیگری نیز دارد که در این تعریف کوتاه نیامده است و در ادامه سعی می شود به آنها اشاره شود.

بنا بر تحقیقات بنونیست<sup>۲</sup>، یکی از بزرگترین متخصصان زبان شناسی هند و اروپایی، ریشه هند و اروپایی در اساس دارای الگوی *CeC*\* می باشد که *C* نماینده هر صامتی می باشد (همان، ۶۵). بنابر این ریشه هند و اروپایی، تک هجایی<sup>۳</sup> است. ریشه هایی مانند: *\*sed* "نشستن"، ایرانی باستان: *\*had*، یا *\*b<sup>h</sup>er* "حمل کردن"، ایرانی باستان: *\*bar*، نمونه هایی از این ریشه های تک هجایی هستند.

بررسی ها نشان داده است که ریشه فعلی هند و اروپایی از نظر صورت دارای محدودیت هایی بود و اغلب با همخوان آغاز می شد و با همخوان پایان می یافت (مالوری<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶، ۴۹). بدین ترتیب، اگر واکه *e* را که رایج ترین واکه در زبان هند و اروپایی بود، نماینده هر واکه ای در ریشه تصور کنیم، الگوهای ریشه هند و اروپایی به صورت *CeC*، *CCeC*، *CeCC* خواهد بود (همان، ۴۹).

<sup>۱</sup> - J. Clackson

<sup>۲</sup> - E. Benveniste

<sup>۳</sup> - Monosyllabic

<sup>۴</sup> - J. P. Mallory

ریشه هند و اروپایی همچنین محدودیت دیگری نیز داشت بدین نحو که دو بستواج واکدار<sup>۱</sup> در ریشه قرار نمی گرفتند، یعنی ریشه هایی مانند *\*bed-* یا *\*deg-* در این زبان وجود نمی داشت و همچنین یک همخوان بی واک<sup>۲</sup> با یک همخوان دمیده<sup>۳</sup> در یک ریشه واقع نمی شدند و مانند مورد پیشین، ریشه ای به صورت *\*tebh-* نیز امکان شکل گرفتن نمی یافت (همان، صص ۴۹-۵۰).

### ۱-۳-۱- گسترش

اما ریشه هند و اروپایی می تواند ساختار آوایی پیچیده تری نیز به خود بگیرد که از این فرایند با نام گسترش<sup>۴</sup> یاد می شود. در فرایند گسترش، صامت هایی به ریشه افزوده می شود که گاه با تغییراتی در معنی نیز همراه است. ریشه *\*yeug-* "جفت کردن"، ایرانی باستان: *\*yaug-* "به یوغ بستن" نمونه بسیاری خوبی از گسترش است چرا که این ریشه فعلی از افزودن *\*-g* به ریشه *\*yev-* "پیوستن"، سانسکریت: *\*yav-* "پیوستن" ساخته شده است.

گسترش یکی از فرایندهای بسیار معمول در واژه سازی هند و اروپایی است که البته سبب پیچیدگی هایی در ریشه یابی نیز می شود با این وجود اطلاع از این فرایند برای هر متخصص ریشه یابی سخت ضروری است. ریشه *\*baxš-* "نجات دادن" گسترشی از ریشه *\*bauj-* "رهاندن" است.

اما گاه گسترش نه تنها در صورت، بلکه در معنا نیز می باشد. برای مثال ریشه ایرانی باستان *\*tard-* "بریدن دریدن، سوراخ کردن"، از هند و اروپایی *\*terd-* "شکافتن، دریدن" گسترشی است از ریشه ایرانی باستان *\*tar-* "مالیدن، سوراخ کردن، زدودن" از هند و اروپایی *\*ter-* "ساییدن، مالیدن". (از همین ریشه در فارسی: اُفتالیدن "پراکندن، پاشیدن").

ریشه هند و اروپایی همچنین گاه از طریق گرفتن پسوند و نیز گسترش، بزرگ می شود. برای نمونه ریشه هند و اروپایی *\*sneig<sup>wh</sup>-* "برف باریدن" از ریشه *\*sen-* و پسوند *\*-ei-* و عنصر گسترش دهنده *\*g<sup>wh</sup>-* ساخته شده است (همان، ۶۷). از همین ریشه در پهلوی واژه snēxr برف وجود دارد که واج /r/ پایانی آن نشان دهنده پسوند گیری در دوره هند و ایرانی یا ایرانی باستان می باشد.

نمونه دیگری از گسترش را می توان در ریشه های ایرانی باستان *\*tan-* "تنیدن" و *\*θanj-* "کشیدن" یافت. ریشه *\*tan-* از هند و اروپایی *\*ten<sup>l</sup>-* "کشیدن، امتداد دادن" ساخته شده

<sup>1</sup> -voiced stop

<sup>2</sup> -unvoiced

<sup>3</sup> - aspirated

<sup>4</sup> - extension

است و ریشه *\*θanj-* از هند و اروپایی *\*teng-* که گسترشی از *\*ten-*<sup>1</sup> است درست شده است.

البته در اینجا باید خاطر نشان کرد که ریشه فعلی با خود فعل متفات است. فعل عنصری است که از لحاظ ساختار در بردارنده زمان، نمود، جهت، وجه و شخص می باشد (کریستال<sup>1</sup>، ۲۰۰۵، ۵۱۰). اما ریشه فعلی هند و اروپایی تنها در بردارنده مفهوم عمل، مانند *\*kék<sup>(w)</sup>* "ساختن" یا مفهوم وجود حالت مانند *\*es-* "بودن" می باشد و هر چند واژه ها از آن مشتق می شوند اما معمولاً به شکلی متمایز وجود ندارد (فورستون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴، ۶۹). از این نظر می توان ریشه فعلی هند و اروپایی را با بن مضارع "آی-" از مصدر "آمدن" در فارسی مقایسه کرد. هر چند "آی-" در واژه های "آینده" یا "بیا" (امر) به کار می رود اما هرگز به صورتی مستقل کاربرد ندارد. البته این مقایسه فقط جهت فراهم آوردن ذهنیتی برای خواننده است و عملاً تفاوت زیادی میان بن مضارع افعال کنونی و ریشه های فعلی هند و اروپایی وجود دارد. با این حال گاه فرایند واژه سازی موسوم به اشتقاق صفر<sup>۳</sup> سبب می شود که ریشه بدون هیچ تغییری، به شکل اسم یا صفت به کار رود. برای مثال صفت *frād-* "پیش رانده شده" از ریشه *frād-* "پیش بردن" ساخته شده است (بارتولومه<sup>۴</sup>، ۱۹۶۱، ۱۰۱۳).

## ۱-۴- بازسازی

بازسازی<sup>۵</sup> روشی در زبان شناسی تاریخی و واژه شناسی تطبیقی است که در آن با بررسی و تحلیل داده های موجود زبانی، حالتی غیر موجود (مربوط به زبانی مرده) باز سازی می شود (کریستال، ۲۰۰۵، ۴۰۵). بازسازی همه جنبه های زبان مانند آوا، صرف و نحو را شامل می شود.

موضوع این پژوهش، یعنی ریشه های فعلی در زبانهای ایرانی، به نحوی درگیر کار بازسازی نیز می گردد چون دامنه آن فراتر از زبانهایی مانند اوستایی و فارسی باستان می باشد و بر آن است تا ریشه های فعلی را در ایرانی باستان بررسی کند. زبانی که هیچگونه مدرک مکتوبی از آن وجود ندارد و تنها با مقایسه زبان های منشعب شده از آن می توان به وجود برخی ویژگی های آن پی برد. بازسازی فرایندی بسیار پیچیده است و از این رو مطرح ساختن آن در این

<sup>1</sup> -D. Crystal

<sup>2</sup> - B. W. Forston

<sup>3</sup> - zero derivation

<sup>4</sup> - Ch. Bartholomae

<sup>5</sup> - reconstruction



مختصر ممکن نیست. با این حال برای ارائه ذهنیتی از آنچه که در روند بازسازی انجام می گیرد، در زیر مثالی از زبانهای باستانی ایرانی ارائه می گردد:

در اوستایی ریشه فعلی *zan-* "دانستن" وجود دارد که معادل آن در فارسی باستان *dan-* و به همین معنی است. درباره تفاوت واج نخست در این دو ریشه می توان چند فرضیه را مطرح ساخت. نخست اینکه واج *\*d* ایرانی باستان در فارسی باستان باقی مانده و در اوستایی به *Z* تبدیل شده است. اما ریشه فعلی اوستایی *dar-* "داشتن"، فارسی باستان: *dar-* "داشتن" هر دو دارای واج *d* هستند و با مقایسه با ریشه سانسکریت *dhar-* "داشتن" (مایرهورف<sup>۱</sup>، ۱۹۵۶، ج ۱، ۵۱۴) پی می بریم که در ایرانی باستان نیز ریشه *\*dar-* وجود داشته است و لذا این فرضیه را باید کنار گذارد. در اینجا باید فرضیه دیگری را مطرح ساخت و آن اینکه واج ایرانی باستان *\*z* (یا واجی که *\*z* ایرانی باستان تحولی از آن بوده است) در فارسی باستان به *d* تبدیل شده است. دوباره به سراغ ریشه *dan-* "دانستن" می رویم. این ریشه در سانسکریت به صورت *ján-* "دانستن" آمده است (ویتنی<sup>۲</sup>، ۱۸۸۵، ۵۲۹). مقایسه هم‌ریشه های<sup>۳</sup> هند و اروپایی *zan-* اوستایی و *ján-* سانسکریت می تواند در یافتن صورت نخستین این ریشه راهگشا باشد. از این ریشه در اسلاوی کلیسایی کهن *znati* "دانستن" (درکسن<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸، ۵۴۶)، در ایرلندی باستان *gnāth* "همیشگی، عادت شده" (پوکورنی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷، ۱۱۸۲) و در هیتی *ga-ni-eš-zi* "تشخیص می دهد" (کولخورست<sup>۶</sup>، ۲۰۰۸، ۴۳۴) آمده است. نمونه های بالا نشان می دهند که واج *d* فارسی باستان و نیز *Z* اوستایی، بی تردید، تبدیلی از واجی دیگر بوده اند، واجی که تلفظی نزدیک تر به اصل آن، در واژه اوستایی *žnātar-* آگاه تر (بارتولومه، ۱۹۶۱، ۱۷۱۷) بازتاب یافته است. واژه یونانی *gnūrus* "ماهر" (پوکورنی، ۲۰۰۷، ۱۱۸۳) و واژه های انگلیسی هم‌ریشه با آن یعنی *ignorant* "نادان" (با *i-* نفی) و *gnostic* "عرفانی" از یونانی *gnōstikos* "شناخت" واژه هایی هستند که نشان می دهند واج *d* فارسی باستان و *Z* اوستایی و نیز *ž* سانسکریت همه تبدیلی از واجی دیگر بوده اند که در برخی زبانها به صورت *g* وجود دارد. همچنین این مقایسه نشان می دهد که واژه اصلی هند و اروپایی دارای واج *\*n* نیز بوده است. به کار گیری همین روش مقایسه ای با استفاده از داده های واژگانی همه زبان های هند و اروپایی سرانجام ما را به واژه هند و اروپایی *\*gen-*<sup>۲</sup> "دانستن" می رساند. روشی که بیان مختصر آن در این جستار، نباید سبب ساده انگاری گردد چون حتی بازسازی واج *\*e* این ریشه نیز تنها در پی مباحثات آوایی و ریشه شناسی تطبیقی و نیز با عطف نظر به مباحث معنا شناختی پیچیده انجام می گیرد. با استفاده از همین شیوه های

<sup>1</sup> - M. Mayrhofer

<sup>2</sup> - W. D. Whitney

<sup>3</sup> - cognate

<sup>4</sup> - R. Derksen

<sup>5</sup> - J. Pokorny

<sup>6</sup> - A. Kloekhorst

بازسازی است که دستگاه آوایی هند و اروپایی آغازین و نیز ایرانی باستان بازسازی می شوند، شیوه هایی که پرداختن بدانها خارج از گستره و هدف این پژوهش است. با این حال اطلاع از دستاوردهای بازسازی از بایسته های ریشه شناسی است، بایسته هایی که در ادامه و بر اساس هدف این پژوهش به مهمترین آنها اشاره خواهد شد.

## ۱-۵- بایسته ها در ریشه شناسی

ریشه شناسی دانشی است که پیش نیاز های خود را می طلبد طبیعی است کسانی که می خواهند به ریشه شناسی بپردازند باید از زبانهایی خاص اطلاع داشته باشند. مثلا برای ریشه شناسی زبان های ایرانی، داشتن سطح معینی از اطلاعات از زبان فارسی، پهلوی، اوستایی، فارسی باستان و سانسکریت ضروری است. اما پیش از آن، فرد باید اطلاعاتی در آواشناسی و بویژه معنا شناسی<sup>۱</sup> داشته باشد. در ادامه به توضیح این موارد خواهیم پرداخت.

### ۱-۵-۱- معنی شناسی

معنی شناسی یکی از شاخه های مهم دانش زبان شناسی است که به بررسی معنی در زبانها می پردازد (کریستال، ۲۰۰۵، ۴۲۸). معنی شناسی یه ویژه در ریشه شناسی اهمیت بسیار می یابد به نحوی که بدون تسلط بر قواعد آن نمی توان به ریشه شناسی پرداخت چرا که در ریشه شناسی، معنی واژه ها در طی صدها و هزاران سال مورد بررسی قرار می گیرد و طبیعی است که در این مدت معنی دچار تحولات بسیاری می شود به نحوی که ممکن است معنی کنونی واژه ای، به ظاهر کاملا بی ارتباط با معنی قدیم آن باشد. برای مثال در فارسی باستان واژه -fratema به معنی "سردسته" به کار رفته است. همین واژه در پهلوی به معنی "نخست" و در فارسی دری معادل واژه "ازل" تازی به کار رفته است.

گاه تفاوت های معنایی در واژه های همزمان وجود دارد. برای مثال در فارسی کهن مصدر "انداختن" به معنی مطرح کردن نیز بوده است، چنانکه سعدی در بوستان می گوید:

نباید سخن گفت ناساخته      نشاید بریدن در نینداخته

امروزه در گویش اروندی (یکی از گویش های خوزستانی) "درانداز" به معنی "مطرح کردن سخن" به کار می رود در حالیکه در فارسی رسمی "درانداختن" به معنی "به نزاع واداشتن" است.

---

<sup>۱</sup> - semantics

نمونه دیگری از تغییرات معنایی را می توان در واژه های مشتق از هند و اروپایی  $*uer^{-2}$  "برآمده" دید. یکی از مشتقات این واژه در زبان فارسی واژه "بالو" به معنی "زگیل" است حال آنکه در سانسکریت واژه *varsmán-* از همین ریشه به معنی "ارتفاع" به کار می رود (پوکورنی، ۲۰۰۷، ۴۰-۳۳۳۹).

## ۱-۵-۲- آواشناسی

اطلاع از آواشناسی زبان هند و اروپایی آغازین از ضروریات ریشه شناسی است و اهمیتی برابر و شاید بیش از معنی شناسی داشته باشد چرا که رد یا پذیرش بسیاری از نتیجه گیری ها به تطابق های آوایی بستگی دارد و ناگفته پیداست که در این مقدمه مختصر تنها می توان اشاره کوتاهی به این مبحث مهم داشت و افرادی که خواهان پی گیری ریشه شناسی به صورتی حرفه ای و علمی هستند باید از این مبحث اطلاعات کافی داشته باشند. در زیر فهرستی ساده از دستگاه آوایی هند و اروپایی آغازین، ایرانی باستان، اوستایی، فارسی باستان و پهلوی ارائه خواهد گردید که نه تنها در شناخت بهتر آواشناسی این زبانها کمک خواهد کرد بلکه برای استفاده از این واژه نامه نیز ضروری خواهد بود و البته باید این نکته مهم را نیز تذکر داد که در میان محققان درباره دستگاه آوایی هند و اروپایی آغازین توافق نظر کامل وجود ندارد و درباره برخی آواها نظریات مختلفی ارائه شده است که در این پژوهش نمی توان بدانها پرداخت اما در انتهای این پژوهش، فهرستی از منابعی ارائه خواهد گردید که می توان از آنها اطلاعات بسنده درباره آواشناسی را کسب کرد.

## ۱-۵-۲-۱- آواشناسی هند و اروپایی آغازین

### همخوان ها

واکدار	واکدار	بی واک	
$*bh$	$*b$	$*p$	لبی
$*dh$	$*d$	$*t$	دندانی
$*gh$	$*g$	$*k$	سخت کامی
$*ĝh$	$*ĝ$	$*k̄$	نرم کامی

*g <sup>w</sup> h	*g <sup>w</sup>	*k <sup>w</sup>	لبی نرمکامی
		*s	صفیری
*h4 *h3	*h2	*h1	لارینگال
	*l	*r	روان ها
	*n	*m/i	دماغی ها
	*u/w	*i/y	نیم واکه ها
			واکه ها
*a	*o	*e	کوتاه
*ā	*ō	*ē	بلند

### ۱-۵-۲-۲- هند و ایرانی آغازین

#### واکه ها

روان های هجایی			
*r	*r̄	*u	*ə      *i
			*a   *ā
			*ai   *āi
			*au   *āu

#### همخوان ها

نرمکامی	کامی ۲	کامی ۱	دندانی	لبی	
*k	*č	*č	*t	*p	بی واک غیر دمیده
*k <sup>h</sup>	*č <sup>h</sup>		*t <sup>h</sup>	*p <sup>h</sup>	واکدار دمیده
*g	*ǰ	*j	*d	*b	واکدار غیر دمیده
*g <sup>h</sup>	*ǰ <sup>h</sup>	*j <sup>h</sup>	*d <sup>h</sup>	*b <sup>h</sup>	واکدار دمیده
*H				*s, *z	سایشی
			*n	*m	دماغی
*r					روان
	*i̇			*u̇	غلت